

درباره استاد محمد قهرمان

سرشار از عشق و زندگی با چراغی در دست

یوسف بینا



استاد دکتر محمد رضا راشد محصل نیز با بیان این که «جستجوگری و اندیشه آزادی و علاقه به دانستن از ویژگی‌های نسلی است که محمد قهرمان از آن برخاسته است»، می‌گوید: «او شاعر، مصحح و نویسنده‌ای با فرهنگی وسیع، همه‌جانبه و فراگیر است؛ شعر او به‌خصوص در غزل چنان شهرتی یافت که او را باید از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان معاصر و از آگاه‌ترین شناسندگان سبک هندی دانست.»

شناخت و ترسیم سیمای ادبی محمد قهرمان، بدون معرفی کامل وی با توجه به زندگی، پژوهش‌های ادبی و شعرهایش ممکن نخواهد بود.

محمد قهرمان در دهم تیرماه سال ۱۳۰۸ در تربت حیدریه به دنیا آمد و ۲۸ دیهشت‌ماه سال ۱۳۹۲ در مشهد درگذشت. وی بخش مهمی از عمر هشتاد و چهار ساله خود را با خدمات گوناگون فرهنگی، صرف‌التقایی ادبیات فارسی به‌ویژه شعر کرد. خدمت بیست و چندساله در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد و کوشش برای غنی‌تر کردن این کتابخانه، تأسیس انجمن ادبی قهرمان در روزهای سه‌شنبه و هدایت چند نسل از شاعران، پژوهش‌های بلندمدت در شعر دوره صفوی و تصحیح دیوان مهم‌ترین شاعران سبک هندی، نگارش چند مقاله پژوهشی در مجله‌های معتبر ادبی، سرودن غزل‌های ناب که در قالب چند مجموعه منتشر شده است، کوشش برای زنده نگه داشتن لهجه تریتی با سرودن شعرهای دل‌کش به این لهجه و مواردی از این دست، نشان می‌دهد که این استاد در زمانه عسرت از کسانی بود که چراغ‌هایی پر نور در گذرگاه آیندگان روشن می‌کنند.

آثار پژوهشی محمد قهرمان عبارت‌اند از: تصحیح «دیوان صیدی تهرانی» (انتشارات اطلاعات)، تصحیح «دیوان صائب تبریزی» در شش مجلد (انتشارات علمی و فرهنگی)، تصحیح «دیوان کلیم همدانی» (انتشارات آستان قدس رضوی)، «نغمه‌های قدسی: مجموعه اشعار شادروان غلامرضا قدسی» (انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان)، «مجموعه رنگین گل: گزیده اشعار صائب تبریزی» (انتشارات سخن)، «گلشن کمال: دیوان احمد کمال پور» (انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان)، تصحیح «دیوان ناظم هروی» (انتشارات آستان قدس رضوی)، تصحیح «دیوان حاجی محمدجان قدسی مشهدی» (انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد)، «برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای سبک هندی» (انتشارات سمت)، «صیادان معنی: برگزیده اشعار سخن‌سرایان شیوه هندی» (انتشارات امیر کبیر)، تصحیح «دیوان میرزای دانش مشهدی» (انتشارات مؤسسه عاشورا)، «خلوت خیال: غزلیات و ابیات برگزیده صائب تبریزی» (انتشارات شاهنامه پژوهی)، «تجلی امام علی (ع) در شعر طغرای مشهدی» (انتشارات جلیل با همکاری انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان)، «فریادهای تربیتی» (انتشارات ماه‌جان)، تصحیح «دیوان میرزاقلی میلی مشهدی» (انتشارات امیر کبیر)، «با یادهای عزیز گذشته: ده‌نامه از م. امید به محمد قهرمان» (انتشارات زمستان)، «ارغوان زار شفق: برگزیده دیوان طغرای مشهدی» (انتشارات امیر کبیر)، تصحیح «دیوان محمدقلی سلیم تهرانی» (انتشارات نگاه)، همکاری با ذبیح‌الله صاحبکار در تصحیح «تذکره عرفات

ادبیات وادی بی‌کرانه‌ای است که اگر به هر گوشه آن بنگریم، خواهیم دید اکتشاف جواهری که در آن گوشه پنهان است، نیاز به یک عمر مجاهدت خالصانه و بی‌چشمداشت دارد. در چنین عرصه‌ای و با وجود همه محدودیت‌هایی که یک انسان می‌تواند داشته باشد، طبیعی است که اگر کسی بخواهد فعالیت کند، ناگزیر است که یکی از گوشه‌های آن وادی بی‌کرانه را برگزیند و

به‌صرف عمر در پی اکتشاف گوهرهایی برآید که البته در بازار سوداگران بهایی ندارد، اما حتی یکی از همین گوهرهای بی‌بها کافی است که نام یابنده‌اش را در تاریخ ماندگار کند.

بدیهی است که توانایی همه انسان‌ها به یک اندازه نیست و برخی اهالی ادبیات بوده‌اند و شاید هنوز هم باشند که توانسته‌اند عمر بابرکت خود را در چند حوزه ادبی صرف کنند. با این حال، در میان آثار برجای مانده از این افراد نیز اگرچه طیف رنگارنگی از فعالیت‌های ادبی دیده می‌شود، باز هم یک حوزه ادبی پررنگ‌تر است. برای مثال، در تاریخ ادبیات ایران کم‌نبوده‌اند افرادی که هم‌زمان القایی همچون «شاعر»، «نویسنده»، «متفکر» و... را یدک می‌کشیده‌اند، اما اگر به میراث این افراد بنگریم، خواهیم دید مثلاً آن کسی که «شاعر تر» است کمتر «متفکر» است، یا آن کسی که «نویسنده» خوبی است در «شاعری» توفیق چندانی نداشته؛ اگر چه همه این حوزه‌ها را آزموده است.

با وجود این، افراد کاملاً استثنایی را باید از این قانون مبرا بدانیم؛ افرادی که در طول تاریخ هزار و صدساله ادبیات فارسی انگشت‌شمارند. مثلاً ما چند نفر مثل ملک‌الشعری بهار داریم که خودش در آن واحد چند نفر بود؛ چند نفری که هر کدام یک شاعر بزرگ، یک نویسنده صاحب‌نام، یک روزنامه‌نگار تأثیرگذار، یک سیاست‌مدار کارکشته و... بود. بهار یک استثناست و البته در ساحت‌ها و سطوح دیگر هم افرادی بوده‌اند که عمر پربار خود را در چند حوزه ادبی صرف کرده‌اند و توانسته‌اند در همه آن چند حوزه سرآمد اقران باشند.

زنده‌یاد استاد محمد قهرمان که با بیش از نیم قرن حضور در عرصه شعر معاصر به‌عنوان شاعری کم‌مانند و استادی دقیق‌النظر در عرصه متن پژوهی شناخته می‌شود، بی‌تردید یکی از چهره‌های ماندگار در همه ادوار ادبیات فارسی است. استاد قهرمان علاوه بر سرودن غزل‌های جاودانه و تصحیح چند متن بنیادین از شعر کلاسیک فارسی، حدود پنجاه سال بود که هر سه‌شنبه در منزل شخصی‌اش محفلی ادبی داشت و در آن میزبان شاعران و ادیبان بود. بارها و بارها درباره محفل سه‌شنبه‌های استاد قهرمان و تأثیرهایش در فضای ادبی خراسان گفته و نوشته شده است که مشهورترین آن‌ها نوشته‌ای است که استاد دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در مقدمه یکی از آثارش آورده است: «منزل استاد قهرمان، دانشکده ادبیات واقعی مشهد است.»

العاشقین» (انتشارات بنیاد عاشورا).

مقاله‌های پژوهشی بر جای مانده از محمد قهرمان نیز که در مجله‌های معتبری همچون «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد»، «مجله آینده»، «مجله فرهنگ ایران زمین» و... منتشر شده‌اند، عبارت‌اند از: «دیوان صائب به خط خود شاعر»، «قصیده تازه یاب شهاب ترشیزی درباره یزد»، «شهاب ترشیزی»، «نسخه‌بدل‌های تاریخ عضدی»، «عرفات العاشقین و کاروان هند» و...

دو یادنامه نیز به پاس خدمات ادبی محمد قهرمان در زمان حیاتش منتشر و به وی تقدیم شد. «شناخت‌نامه محمد قهرمان» پژوهش و نگارش رضا فضلی (انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خراسان رضوی) و «پردگیان خیال: ارج‌نامه محمد قهرمان» به درخواست و اشراف محمد رضا شفیعی کدکنی و محمد جعفر یاحقی (انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد).

دکتر محمود فتوحی در یادداشتی که چند سال قبل از درگذشت استاد قهرمان در یکی از مطبوعات منتشر شده است، می‌نویسد: «استاد محمد قهرمان تربیتی در زمانه عسرت شعر، احیاگر شعر روزگار صفوی است... قهرمان در سی سال اخیر یک‌تنه به احیای دیوان‌های حجیم و بزرگ شاعران سبک‌های همت گماشته است. تصحیح‌های قابل اعتماد، گزیده‌های متعادل و مقدمه‌های نکته‌سنجانه قهرمان، شعر سبک‌های را جانی تازه بخشید. اشراف و ذوق سلیم استاد قهرمان را در فهم ظرافت‌های این سبک در کارهایش به وضوح می‌توان دید... قهرمان نشان داد که سهم خراسان در نزاکت‌بندی و نازک‌خیالی اگر بیشتر از اصفهان و کاشان و هند نباشد، کمتر نیست...» اما مهم‌ترین و شاید ماندگارترین بخش آثار باقی مانده از محمد قهرمان، مجموعه‌های شعری است که هر کدام تعدادی از سروده‌های او را در بر دارد. «نسیمی از دیار خراسان» برگزیده‌ای از شعرهای محمد قهرمان، غلامرضا قدسی، احمد کمال‌پور، ذبیح‌الله صاحبکار، علی باقرزاده (انتشارات کتابستان توس)، «حاصل عمر» مجموعه شعر محمد قهرمان (انتشارات شاهنامه‌پژوهی)، «خدای خدای خودم» مجموعه اشعار محلی محمد قهرمان (انتشارات شاهنامه‌پژوهی) و «روی جاده ابریشم شعر» (انتشارات جمهوری).

در میان مجموعه‌های منتشر شده از سروده‌های مرحوم محمد قهرمان، شعر در قالب‌هایی همچون قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، چهارپاره، ترکیب‌بند، شعر نو، تصنیف، شعر به لهجه محلی و... دیده می‌شود، اما چنان که شهره خاص و عام است، غزل‌های استاد از نظر کمی و کیفی مهم‌ترین بخش شعرهای او هستند که در ابتدای کار شاعری، غزل سرودن در شیوه موسوم به سبک‌های سبک‌های را برگزید و در این اسلوب از سرآمدان زمان و شاید سرآمد همه اقران شد.

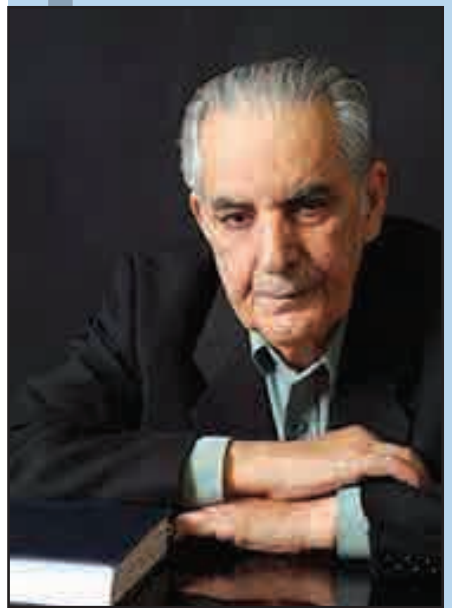
محمد قهرمان احیاگر شیوه غزل‌سرایی سبک‌های سبک‌های با محوریت شعر صائب در روزگار ما بود؛ شیوه‌ای که استاد قهرمان با پژوهشی بی‌وقفه درباره صائب و سبک‌های سبک‌های به آن دست یافت و در شعر خود، آن را به دور از معایب رایج در میان شاعران سبک‌های سبک‌های به کار بست. اگر بخواهیم بر این شیوه نام بهتری بگذاریم، شاید بتوانیم آن را «سبک‌های سبک‌های خراسانی» بنامیم؛ هنری از آن جهت که روش حاکم بر کلیت شعر، روش صائب و برخی دیگر از شاعران سبک‌های سبک‌های خراسانی از آن جهت که معایب زبانی و ادبی رایج در میان آن شاعران، در شعر این شاعر نیست. محبوبیت قالب غزل، استقلال بیت‌ها و استفاده از روش مدعامل، از ویژگی‌های این سبک است که ریشه در سبک‌های سبک‌های دارد. تکرار قافیه، افراط در نازک‌خیالی و سرودن ابیاتی پیچیده و مشکل‌فهم و برخی ناهنجاری‌های زبانی، از عیوب رایج در سبک‌های سبک‌های است که در این سبک تلفیقی تازه جایی ندارد و از آن جا که استاد محمد قهرمان، ادیب و سخن‌شناس بود، در شعر خود به شدت از این گونه معایب پرهیز می‌کرد و در نهایت سلامت زبانی و فصاحت شعر می‌سرود. این ویژگی شعر این شاعر را به سبک‌های خراسانی نزدیک می‌کرد. زیستن این شاعر در خراسان و پرورش فکری‌اش در محیطی که خاستگاه رودکی و فردوسی و انوری و ناصر خسرو و بهار و اخوان ثالث بوده است، از دلایل این نام‌گذاری سبکی است.

البته محمد قهرمان هر چه به سال‌های پایانی عمر شاعری‌اش نزدیک شد، از این شیوه فاصله گرفت و به شیوه غزل‌سرایی مکتب و وقوع گرایش پیدا کرد؛ به شکلی که این گرایش در غزل‌های دو دهه پایانی حیات جسمانی شاعر به روشنی مشهود است.

استاد در دهه‌های پایانی زندگی‌اش به سرودن رباعی نیز علاقه وافری پیدا کرده بود؛ به طوری که در آخرین مجموعه شعرهایش یعنی «روی جاده ابریشم شعر» حدود هزار رباعی آمده است.

یکی از جلوه‌های دیگر و البته خیلی مهم خلاقیت ادبی محمد قهرمان، سرودن شعر در قالب‌های متنوع به لهجه تربت‌حیدریه است. اظهار نظر درباره این شعرها البته از عهده نگارنده خارج است، اما هم از جهت این که این شعرها مورد ستایش اهل فن قرار دارند و هم از این منظر که نقش بسیار مهمی در حفظ حیات واژگان یکی از لهجه‌های غنی خراسان ایفا می‌کنند، درخور توجه علاقه‌مندان و محل مراجعه پژوهشگران خواهند بود.

یکی از ویژگی‌های بسیار نادر در شخصیت ادبی زنده‌یاد محمد قهرمان این بود که استاد در طول عمر پربرنگش هیچ‌گاه از اوج فرونماید و همواره چه در عرصه پژوهشگری، چه در مدیریت انجمن ادبی و چه در سرودن غزل‌های ناب در سطح رشک‌برانگیزی قرار داشت. بادم می‌آید در سال‌های پایانی حیات استاد، ایشان در مجلسی شعر خواندند و این شعر در واقع غزل تازه‌ای سرشار از عشق و زندگی بود؛ به دوست شاعری که در کنارم نشسته بود، گفتم: «شاعران جوان باید سرودن شعر عاشقانه را از این شاعر هشتاد و چندساله یاد بگیرند که هنوز هم عاشق است و این عشق زنده در غزل‌هایش موج می‌زند.»



محمد قهرمان احیاگر شیوه غزل‌سرایی سبک‌های سبک‌های با محوریت شعر صائب در روزگار ما بود؛ شیوه‌ای که استاد قهرمان با پژوهشی بی‌وقفه درباره صائب و سبک‌های سبک‌های به آن دست یافت و در شعر خود، آن را به دور از معایب رایج در میان شاعران سبک‌های سبک‌های به کار بست. اگر بخواهیم بر این شیوه نام بهتری بگذاریم، شاید بتوانیم آن را «سبک‌های خراسانی» بنامیم